

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

آرش کمانگر

۱۵ سپتمبر ۲۰۱۷

مار خوش خط و خالی به نام " آن سان سوچی "



زمانی نچندان دور، خانم سوچی با همسر انگلیسی، اعتقادات عمیق بودائی و شیفتگی ضدکمونیستی به نظام سرمایه داری غرب، به گل سرسبد اکثر مجالس و سرتیتر اکثر رسانه ها تبدیل شده بود. او بدرستی خواهان پایان سلطه نظامیان کودتاچی بر کشور برمه (میانمار کنونی) بود و از آزادی احزاب و "انتخابات آزاد" دفاع می کرد. به همین خاطر سالها در حبس و یا حصر خانگی بود. او به ویژه برای بخشهایی از اصلاح طلبان داخل و خارج ایران، بسیار جاذبه داشت. نماد مبارزه مسالمت آمیز و سمبل چانه زنی با قدرت حاکم برای باز کردن فضای سیاسی جهت جلوگیری از یک انقلاب اجتماعی حقیقی بود. او با پرتاب گل از ویلایش به میان مردم، می خواست در این کشور استبداد زده و فلاکت زده، بذر امید بپاشد!! وقتی نظامیان حاکم تحت فشار جنبشهای مردمی و نیز فشار کشورهای غربی حامی "آن سان سوچی" حاضر به معامله شدند که با حفظ سیستم (هم مناسبات اجتماعی اقتصادی موجود و هم بنیان های اساسی حکومت) راه را برای برگزاری انتخابات چند حزبی باز کنند، همه عاشقان استحال و اصلاح از بالا، هورا کشیدند: آری این آن راهی ست که ما نیز باید طی طریق کنیم!

جایزه صلح نوبل نیز به خانم سوچی اهداء شد تا موفقیت این مسیر تضمین شود. حاصل کار این شد که حزب خانم سوچی اکثریت پارلمان را از آن خود نمود، اما به دلیل این که همسرش خارجی بود فعلاً طبق قانون اساسی نمی تواند رئیس حکومت باشد. ولی همه می دانند که او به عنوان رئیس بی رقیب حزبش سرخ اصلی کابینه و مجلس را در دست دارد. ضمن این که به سلطه بلامنازع جنرالها بر ارتش و بخشهایی از اقتصاد و سیاست نیز کاری ندارد و جانیان همچنان بی محاکمه سرچاپشان نفس راحت می کشند.

اما نماد مبارزه "خسونت پرهیز" وقتی دستش به دستگیره قدرت گیر کرد تابع مقتضیات یک حاکمیت طبقاتی سرکوبگر شد. نه تنها رنج و استثمار اکثریت اردوی کار و رنج کشور تداوم یافت بلکه نسل کشی بی رحمانه علیه اقلیت مسلمان

"روئینگه" که فکر می کردند با آمدن برنده جایزه صلح نوبل، دوران رنج و حقارت شان به پایان رسیده است، با شدت تمام ادامه پیدا کرد. سرکوب خونین صدها هزار روئینگه ها نه تنها توسط نظامیان بلکه توسط دستجات لباس شخصی فاشیستی بودائی نیز حدت پیدا کرد. آن سان سوچی در ابتداء سعی می کرد با سکوت این فاجعه را دور بزند اما برای حفظ موقعیت خود در میان بودائیان متعصب، رسماً با اعلام تروریست بودن صدها هزار اقلیت مسلمان، فرمان غارت، کشتار و آواره سازی آنها را صادر کرد. آنچه در روزها و هفته های اخیر می بینیم به روشنی پرده از روی این مار خوش خط و خال کنار زده است. در واکنش به این فاجعه، موجی از اعتراض در کشورهای مختلف و توسط نهادهای بشر دوست به راه افتاده است. طوماری با امضای سیصد هزار نفر دست به دست می گردد که از بنیاد نوبل می خواهد جایزه صلح اهدائی به آن سان سوچی را پس بگیرد. اما مگر این بنیاد قبلاً به جنایتکارانی مثل مناخیم بگین این جایزه را اهداء نکرده بود و سادات و اوباما نیز از نعمت آن برخوردار نشده بودند؟ و مگر جوایز این بنیاد در بسیاری موارد خصلت سیاسی با جهتگیری معین ندارد؟ با این همه باید از چنین طوماری حمایت کرد و سکان دار دولت جنایتکار میانمار را از مدال دروغین صلح محروم نمود.

در جریان فاجعه اخیر عکسهای ماهواره ئی حکایت از نابودی بیش از نود درصد منازل روستائیان زحمتکش روئینگه ئی دارند. ضمن این که تا این لحظه سیصد هزار نفر از آنها از ترس جان خود به کشور بنگله دیش گریخته اند کشور "برادر" مسلمان که راه رودخانه را بر آنها بسته و این مردم بی پناه را ناگزیر کرده که با قایقهای ناامن و با به خطر انداختن جان خود از راه بحر به بنگله دیش برسند که باعث مرگ انبوهی از آنها در ابهای خروشان شده است. چهل هزار نفر از این اقلیت نیز که در سالهای گذشته به هند پناه آورده بودند به دستور رئیس جمهور دست راستی هندوئیست این کشور فرمان اخراج دریافت کرده اند. در روزهای اخیر "آن سان سوچی" ملاقاتی با رئیس جمهور هند داشته و در کشور از عزم خود برای مبارزه با تروریسم سخن گفته اند؟! صدها هزار تروریست پابرهنگه گرسنه آواره !!

این خود نشان می دهد که فناتیسم، بنیادگرایی مذهبی، راسیسم و فاشیسم در جهان امروز فقط مختص اسلام سیاسی (سنی یا شیعی) نیست بلکه ادیان مدعی صلح و آرامش و همزیستی و معنویت نظیر هندوئیسم و بودائیسم و [دیگر ادیان ابراهیمی] مسیحیت و یهودیت نیز از آن میرا نیستند. ضمن این که در برخی کشورهای غربی حتی می توان دینی نداشت اما در فاشیسم دست کمی از داعشیان آدمخوار در خاورمیانه و بودائی های جنایتکار در برمه و هندوهای افراطی در هند نداشت.

در ایران و عراق رژیم شیعی علیه اقلیت مسیحی و یهودی و بهائی و صوفی و سنی مرتکب تبعیض و سرکوب می شود. در افغانستان و بحرین و عربستان و پاکستان این شیعیان هستند که توسط سنی های فناتیک مورد تبعیض و ستم قرار می گیرند. در پاکستان علیه هندوها و در هند علیه مسلمانان، و در نیجریه هم مسیحیان و هم مسلمانان افراطی علیه یک دیگر مرتکب جنایت می شوند و در سودان جنوبی تازه مستقل شده از سودان مسلمان شمالی، قبایل معتقد به آئین های سنتی افریقائی سیستماتیک وار مورد تبعیض و سرکوب مسیحیان مورد حمایت غرب قرار می گیرند.

این چرخه خشونت و تبعیض را تنها نیروها و جنبشهایی می توانند مهار کنند و لگام زنند که در اردوی کار و رنج قرار دارند و انسان ها را فارغ از عقیده و تعلق طبقاتی و ملیت و مذهب و نژاد و جنسیت و گرایش جنسی شان، دارای حقوق برابر شهروندی می بینند و برای جهانی مبتنی بر جدائی دین و ایدئولوژی از دولت، آزادی، دموکراسی، حق تعیین سرنوشت ملل، برابری و عدالت اجتماعی مبارزه می کنند. تنها چنین بدیل و جنبشی است که می تواند به بربریت در قرن بیست و یکم پایان دهد.

۰۹ سپتمبر ۲۰۱۷

یادداشت:

پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان"، ضمن تأکید بر مواضع نگارش یافته در مقاله فوق در قبال خانم "آن سان سوچی" و بقیه جایزه بگیران، افتخار دارد بپذیرد:

برای ما داشتن و یا نداشتن عقیده مذهبی یکی از حقوق اولی هر انسان به شمار رفته، هیچ کس و یا هیچ دولت و ارگانی حق ندارد، فردی را به علت داشتن و یا نداشتن یک عقیده - می خواهد هر چه باشد- مورد مؤاخذه و مجازات قرار دهد. برای ما به همان اندازه که کشتار مسلمانان و تحقیر آنها در این و یا آن کشور غربی و یا شرقی محکوم است، به همان اندازه دست درازی به حقوق اولی هندو ها و غیر مسلمانان و یا آنهایی که اساساً به هیچ دین و آئینی اعتقاد ندارند و صرف به جرم نداشتن دین مجازات شده و یا می شوند، محکوم و قابل تقبیح می باشد.

اداره پورتال AA-AA